

علمی - پژوهشی

آینده آیین‌نامه ارتقای مرتبه علمی اعضای هیئت علمی در ایران: یک رویکرد سناریویی

احسان مرزبان^۱، احد رضایان قیبه باشی^{۲*} و علی حسین رضایان^۳

چکیده

هدف این پژوهش ارزیابی تأثیرات پیش‌ران‌ها، کلان‌روندها و عدم قطعیت‌های مرتبط با آنها در مسیر تدوین آیین‌نامه آینده ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و ترسیم سناریوهای بدیل درباره آیین‌نامه ارتقا در افق ۱۴۱۴ بود. برای این منظور، با تکیه بر روش‌شناسی کیفی و بهره‌گیری از ابزارهای ماتریس تحلیل آثار متقاطع و نرم‌افزار میک‌مک، پیش‌ران‌های اصلی تغییر در این زمینه شناسایی و تحلیل شدند؛ سپس با بهره‌گیری از نرم‌افزار سناریوویزارد و پنل خبرگان، عدم قطعیت‌های اصلی تعیین و سناریوهای محتمل برای آینده آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی در افق ۱۴۱۴ توصیف و روایت شدند. بر این اساس، ضمن تحلیل ساختاری روابط اثرگذاری و اثرپذیری میان مؤلفه‌های کلیدی، پنج نیروی گفتمان حاکم بر آموزش عالی در ایران، انتظار جامعه (صنعت، بازار و دولت) از آموزش عالی، اقتصاد آموزش عالی، رقابتی و بین‌المللی شدن آموزش عالی و چالش‌های نوظهور و توسعه علوم میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای به‌عنوان پیش‌ران‌های تغییر احصاء شد. سرانجام، سه سناریوی «اندیشگاه خرد و دانش»، «دانش‌سرای علم و فناوری» و «مکتب‌خانه منطقی و ارزش» به‌عنوان آینده‌های بدیل^۴ متصور برای نظام ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی تبیین و شرایط آیین‌نامه مزبور در هر یک از سناریوهای یادشده توصیف و با یکدیگر مقایسه شدند.

کلید واژگان: آیین‌نامه ارتقای هیئت علمی، آموزش عالی، برنامه‌ریزی سناریویی، آینده.

۱. دانش آموخته دکتری رشته آینده‌پژوهی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ایران: e.marzban@gmail.com

۲. استادیار گروه آینده‌پژوهی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: Ahad.rezayan@ut.ac.ir

۳. استاد گروه مهندسی علوم زیستی، دانشکده علوم و فنون نوین، دانشگاه تهران، تهران، ایران: ahrezayan@ut.ac.ir

۴. آینده‌های بدیل در واقع همان سناریوهای محتمل جایگزین وضعیت موجود هستند.

مقدمه

بسیاری از پژوهشگرانی که در خصوص آینده آموزش عالی بویژه در ایران کار می‌کنند آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی را یکی از مهمترین پیشران‌ها در آموزش عالی می‌دانند که، به خاطر الزام‌آور بودن برای بیش از ۸۰ هزار عضو هیئت علمی در کشور، قابلیت پیش‌رانی و انتشار اثرات بر تمامی محورهای مهم آموزش عالی را دارد. به عبارتی، تغییر آیین‌نامه ارتقاء می‌تواند منجر به تغییر جمعیت آموزش عالی، تغییر کم و کیف ارتباط آموزش عالی با صنعت و جامعه، تغییر اهداف و ماموریت نهادها و موسسات علمی و حتی تغییر نگرش جامعه علمی به مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی شود. در چند سال گذشته، چرخش جدول امتیازهای آیین‌نامه به سمت مقالات ISI نه تنها رویه و رویکرد استادان، فعالیت و نوع تعامل آنها با دانشجویان را به‌طور ملموس تغییر داده است بلکه باعث به وجود آمدن کسب و کارها و بنگاه‌های مقاله و پایان‌نامه نویسی شده است؛ که این موضوع، علاوه بر پیامدهای اجتماعی - اخلاقی گسترده، پیامدهای اقتصادی و حقوقی جدیدی نیز به بار آورده است (Abdi, 2018). در سال‌های اخیر، سیاست‌ها، آیین‌نامه‌ها و رویه‌های هم‌افزایی در آموزش عالی تدوین شده است که حاصل تعامل آنها نتایج نامطلوبی است که دانشگاه را ناخواسته به سمت رفتارهای غیراخلاقی در فرایند پژوهش سوق داده است. رشد بی‌رویه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، آیین‌نامه‌های دفاع از پایان‌نامه و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و مقاله‌محور بودن آیین‌نامه‌های جدید ارتقای اعضای هیئت علمی پیشران‌های این تغییرات به‌شمار می‌روند (Sadghi Arani, 2021).

از یک سو، دانشگاه یکی از مهمترین بخش‌های نظام علم و فناوری در هر کشوری است و کارآمدی ساختار دانشگاه‌ها طبعاً ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با تحقق اهداف نظام علم و فناوری هر کشور و پرورش نیروی انسانی کارآمد و شایسته برای پاسخگویی به نیازهای جامعه و خلق مسیر توسعه دارد (Yamani and Goldasteh, 2011)؛ و از سوی دیگر، کیفیت نیروی انسانی شاغل در دانشگاه، از جمله اعضای هیئت علمی آن، تأثیر بسزایی بر کیفیت دانشگاه در تمام جهات به ویژه کیفیت آموزشی و پژوهشی خواهد داشت (Farahmandniya, 2019; Mohebzadegan ana Farasatkah, 2011). کارآمدی ساختار دانشگاه‌ها طبعاً ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با تحقق اهداف نظام علم و فناوری هر کشور دارد (Pooya, 2018). بر این اساس، سیاستگذاران علم و فناوری عموماً به دنبال این هستند که به نحوی فعالیت استادان دانشگاه‌های کشور (و، به تبع آن، دانشجویان) را جهت‌دهی کنند و این فعالیت‌ها را در راستای اهداف نظام علم و فناوری کشور قرار دهند. آیین‌نامه‌های ارتقای استادان مهم‌ترین ابزار تحقق چنین هدفی هستند (Osareh & Afifiyan, 2018) از این‌رو، آیین‌نامه یادشده از جایگاه خاصی در سیاست‌گذاری آموزش عالی برخوردار است و مبنای ارتقاء و استخدام اعضای هیئت علمی به‌شمار می‌رود (Mohammadi, doostar and Hosseini, 2009).

بنابراین، ارتقای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات حکمرانی آموزش عالی در همه کشورهای دنیا است. در واقع، ارتقای مرتبه، بخشی از فرهنگ دانشگاه‌ها بوده است و احتمالاً در آینده نیز، اهمیت خود را به‌منزله عاملی برای ارتقای کیفیت نظام آموزشی، حفظ خواهد کرد (Gentry

(Stokes & 2015) اما سیاستگذاری در این حوزه همواره با یک پرسش کلیدی و استراتژیک گره خورده است: آیا نظام دانشگاهی و ابزار ارزیابی ارزش شغلی اعضای هیئت علمی با تحولات و پیشرفت‌های سریع اجتماعی، فرهنگی، ارتباطی و فن‌آورانه همگام و سازگار است؟ چگونگی پاسخ ما بدین پرسش می‌تواند تعیین‌کننده مسیر بهره‌وری و هم‌افزایی علمی و ابزاری برای هماهنگی نهاد دانشگاه با سایر بخش‌ها (از جمله جامعه و صنعت) باشد (Schimanski & Alperin 2018).

افزون بر آن، مطالعات مختلف نشان داده است که اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، عموماً خواهان استقرار یک نظام شفاف و منصفانه با معیارهای مشخص و به‌روز در نظام‌های ارتقاء هستند (Yousefi, 2019). نظام انگیزشی ناکارآمد موجب می‌شود ارتقای اعضای هیئت علمی، بدون لحاظ کارایی و بدون توجه به تغییرات محیطی و نیازهای واقعی اجتماعی صورت پذیرد (Levander & Riis, 2016) در واقع، تغییرات آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها تابعی از تغییرات محیطی و سطح انتظارات کنشگران و ذی‌نفعان اصلی این آیین‌نامه است. این انتظارات نیز تابعی از فشار و وزن کنشگران فعال در جامعه است. بنابراین، دانشجویان، استادان، مدیران، سیاستگذاران، سیاستمداران، صنعت، بازار، اهالی رسانه، نهادهای مدنی و عموم مردم جامعه، اجزای مختلف کنشگران موضوع این پژوهش، در سطوح مختلف، به‌شمار می‌روند (Tanaomi & Asaadi, 2017). از سوی دیگر، تغییرات محیطی، در نگاهی جامع‌نگرانه، محیط داخلی و محیط جهانی و همچنین عوامل محیط خرد و کلان را در بر می‌گیرد. پیشران‌های آیین‌نامه ارتقاء، در واقع، نیروهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و فناورانه هستند که، با اثرگذاری بر سطح انتظارات، باعث تغییر در جدول امتیازها یا کلیت آیین‌نامه ارتقاء می‌شوند.

در حال حاضر، نیروهای اثرگذار بر آینده آیین‌نامه ارتقاء در قالب چند محور مهم و شناخته شده دسته‌بندی شده است. این محورها در واقع تداعی‌کننده فلسفه آیین‌نامه، فلسفه آموزش عالی، نیازها و انتظارات از آموزش عالی و موارد دیگر است که سیاستگذاران تلاش کردند تا جدول امتیازها در آیین‌نامه را بر آن اساس تنظیم کنند. این موارد در چهار محور اصلی در آیین‌نامه لحاظ شده‌اند: ۱. محور فعالیت‌های آموزشی، ۲. محور فعالیت‌های پژوهشی و فناوری، ۳. محور فعالیت‌های فرهنگی و ۴. محور فعالیت‌های اجرایی. هر کدام از این محورها دارای زیرمجموعه‌های متنوعی است که، در واقع، تداعی‌کننده انتظارات سیاستگذار از اعضای هیئت علمی در قالب آیین‌نامه ارتقاء هستند. نظام ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی، به دلیل ماهیت ویژه آن، یکی از ابزارهای برجسته سیاستگذاری در حوزه آموزش عالی شناخته می‌شود. به‌دلیل همین ویژگی‌ها آیین‌نامه ارتقای مرتبه علمی کشور، در سال‌های اخیر، مد نظر سیاستگذاران این حوزه قرار گرفته است (Yousefi, 2019). جدول حداقل امتیازهای لازم برای ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی بر اساس آیین‌نامه فعلی (در سال ۱۴۰۰) به شرح جدول ۱ خلاصه شده است. یکی از اهداف کاربردی پژوهش حاضر، پاسخ به این پرسش

است که در صورت بروز هر کدام از سناریوهای محتمل در افق ۱۴۱۴^۵ در مورد نظام و آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی، گروه‌های اصلی برای دسته‌بندی شاخص‌های ذی‌ربط در آیین‌نامه آینده چگونه تعریف خواهد شد و حداقل و حداکثر امتیازات مربوط به هر بخش، در هر سناریو، چه مقدار خواهد بود و مبانی محتوایی شاخص‌های تعریف‌شده چه تغییرات احتمالی نسبت به امروز خواهند داشت.^۶

جدول ۱- امتیازهای لازم برای ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی بر اساس آیین‌نامه فعلی (سال ۱۴۰۰)

ردیف	گروه	عنوان	زیرشاخص‌های اصلی	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز
۱	شاخص‌های گروه اول	شاخص‌های فرهنگی	فعالیت‌های فرهنگی و ارزشی	۱۰	۳۰
۲	شاخص‌های گروه دوم	شاخص‌های آموزشی	نظم، کیفیت و کمیت تدریس	۲۰	۴۰
۳	شاخص‌های گروه سوم	شاخص‌های پژوهشی	مقالات پژوهشی، راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌ها و افتخارات علمی	۶۵	-
۴	شاخص‌های گروه چهارم	شاخص‌های اجرایی	حضور و مشارکت اجرایی	۱۰	۳۵
حداقل امتیاز برای دانشجویی				۱۲۰	
حداقل امتیاز برای استادی				۱۳۰	

برای این منظور، شناسایی دقیق نیروهای پیشران سازنده آینده آیین‌نامه ارتقاء گریزناپذیر است. با آن که پیشران‌های مرسوم‌تر (همچون نرخ ورود دانشجویان و استادان، ضرورت ساماندهی، ارتقای بهره‌وری و جلوگیری از رکود اعضای هیئت علمی و همچنین نظام‌مند کردن و خروجی‌محور کردن فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی) همچنان به قوت خود باقی هستند پیشران‌های نوظهور (همچون دیجیتالی شدن، تجاری شدن، رقابتی شدن، بین‌المللی شدن، انتظارات و تصویر ذهنی جامعه) نیز توانسته‌اند نقش و وزن قابل توجهی به دست آورند و انتظار می‌رود که وزن این نیروها، متناسب با پیچیده‌تر شدن تعاملات و بروز چالش‌های نوظهور،

۵. علت انتخاب این افق یعنی ۱۴۱۴، سه موضوع بوده است الف) برنامه‌ها و سیاست‌های کلی ابلاغ شده در خصوص علم و فناوری از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مقامات ارشد کشور تا افق مورد نظر. ب) همپوشانی با سایر برنامه‌هایی که به صورت کلان در کشور تا این افق ترسیم شده‌اند. توافق تیم پژوهش در باره مناسب بودن این افق با توجه به سرعت تغییرات در آموزش عالی.

۶. توجه به این نکته ضرورت دارد که یکی از اصول مهم در آینده‌پژوهی داشتن نگاه کلان و کلی به پدیده‌ها و تعریف کردن آنها در یک تصویر بزرگتر است. پرداختن به ریز امتیازها در آیین‌نامه به معنای نفی کل‌نگری در این پژوهش نیست. همچنان که در احصای پیشران‌ها دیده می‌شود پیشران‌ها از جنس تصویر کلان ملی و حتی بین‌المللی هستند و سناریوهایی که تولید شده‌اند هر یک توصیفگر تصویری بسیار بزرگ از آینده آموزش عالی و نظام علم و فناوری در جهان هستند که در درون هر کدام‌شان وضعیت آیین‌نامه شکل متفاوتی می‌تواند داشته باشد.

افزایش یابد (Rezayan, 2021; Hemmati, 2015; Hosseini Moghaddam, 2014). بر این اساس و متناسب با اینکه محیط چگونه تغییر کند و انتظارات کنشگران چگونه در زبان سیاستگذاران ترجمه شود، رویکردهای اتخاذشده در مورد آیین‌نامه ارتقاء و، به تبع آن، جدول امتیازها دچار تغییراتی خواهد شد. این پژوهش، در درجهٔ نخست در پی ارزیابی تأثیرات پیش‌ران‌ها، کلان روندها و عدم قطعیت‌های مرتبط با آنها در مسیر تدوین آیین‌نامه آینده ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌هاست و می‌خواهد دریابد که، به‌جز عناصر و اجزای کنونی سازنده نظام ارزیابی اعضای هیئت علمی و آیین‌نامه مرتبط با آن، کدام دسته از نیروها احتمالاً ۱۴ سال بعد از امروز در شکل‌دهی به این آیین‌نامه مؤثرتر هستند؛ چگونه و در چارچوب چه سناریوهای متفاوتی آیین‌نامه مزبور را تحت تأثیر و تغییر قرار می‌دهند و این تغییرات احتمالی چگونه و تحت چه شرایطی بر نظام ارتقای رتبه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و آیین‌نامه مرتبط با آن اثر می‌گذارد. پاسخگویی به این سوالات، هدف و موضوع اصلی این پژوهش بوده و رویکرد سناریویی (برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو)، به عنوان روش‌شناسی منتخب برای پاسخگویی نظام‌مند به این پرسش‌ها در چارچوب یک پژوهش علمی آینده‌پژوهانه برگزیده است. ^۷درواقع رویکرد سناریویی اتخاذشده در این پژوهش، پاسخی به درک و دغدغه‌های نفعان و بازیگران ذی‌ربط به سرعت تغییرات در محیط، افزایش عدم قطعیت‌ها، پیچیده‌تر شدن محیط خرد و کلان و افزایش و تنوع مؤلفه‌های اثرگذار بر تبیین شاخص‌های ارزیابی و امتیازدهی به استادان دانشگاهی در نظام ارتقای مرتبه، در آیندهٔ میان‌مدت است. سناریونگاری اکتشافی، رویکرد مناسبی برای ارائه تصویرهایی بدیل و محتمل از مسیرهای آینده و راهی برای درک بهتر فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌رو در زمینه مورد پژوهش است (Miller, 2014) و سناریوهای حاصل شده می‌توانند مبنایی برای طراحی آگاهانه سیاست‌ها و راهبردها در زمینه بازنگری آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در اختیار تصمیم‌سازان نظام آموزش عالی و کل جامعه علمی کشور قرار دهد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش آینده‌پژوهانه با رویکرد سناریویی و با بهره‌گیری از روش‌شناسی کیفی است که داده‌های مورد نیاز، علاوه بر مرور منابع از طریق مصاحبه با خبره‌ها، برگزاری پنل‌های خبرگی، جلسات ذهن‌انگیزی و کارگاه‌های آینده‌پژوهی، برای تدوین سناریوها جمع‌آوری شده‌اند. در واقع، بخشی از نوآوری این کار مربوط به کاربردی‌ترین روش و گام‌های روش در تولید سناریوها و پرداختن به آیین‌نامه ارتقاء از طریق

۷. شاید در نگاه نخست چنین به نظر برسد که رویکرد سناریومحور برای موضوعی همچون آیین‌نامه ارتقاء که برآمده از خواست و اراده جمعی از بازیگران و سیاستگذاران است، مناسب نباشد. (اصل اندک بودن عدم قطعیت در محیط و ضرورت نداشتن سناریونویسی). اما، در عمل، به نظر می‌رسد هر گونه تغییر در آیین‌نامه ارتقاء با روندها، اقدامات، رویدادها و تصاویر مختلفی مرتبط است که بسیاری از آنها عدم قطعیت‌های راهبردی دارند و خارج از اراده و کنترل سیاستگذاران آیین‌نامه ارتقاء هستند، که این خود به معنای ضرورت توسعه تفکر سناریویی در مورد آینده آیین‌نامه است.

مشارکت ذی‌نفعان است. بدیل‌اندیشی^۸ مشارکتی بودن و توجه به آینده‌های چندگانه، نقطهٔ کانونی روش سناریو است (San, 2014). روش سناریونویسی از آن جهت انتخاب شده است که می‌تواند به ما کمک کند تا، با شناخت برخی از عناصر مهمی که احتمالاً در ساخت آینده تأثیر خواهند داشت، تصویرها و داستان‌هایی از آینده بسازیم (Marzban & Rezayan, 2020) و درک جامع‌تری از آینده‌های محتمل و چگونگی تلاش برای همسویی با برخی یا دوری از برخی دیگر به دست آوریم. این روش، اقدام محور و مشارکت‌محور است و به ایجاد مسیرهای راهبردی باورپذیر منجر می‌شود تا از این طریق بتوان با آینده‌های متفاوت مواجه شد (Bostrom, 2009; Verinz, 2014). در واقع، سناریوها (در این پژوهش مبتنی بر داده‌های حاصل از دیدگاه‌های خبرگان) به ما نشان می‌دهند که در افق پژوهش، کدام عدم قطعیت‌ها با یکدیگر در قالب یک سناریوی محتمل، قابل جمع هستند. پژوهش حاضر، در دو گام پیگیری شده است: نخست، «تحلیل آثار متقاطع (تحلیل ساختاری) عوامل کلیدی و شناسایی پیشران‌ها^۹ (به کمک نرم‌افزار میک‌مک)» و دوم، «تحلیل سناریویی عدم قطعیت‌های کلیدی (به کمک نرم‌افزار سناریوویزارد)». تمام این فرایندها با کمک و نظارت یک پنل خبرگی، متشکل از گروه خبرگان منتخب در حوزه پژوهش، به‌عنوان مرجع گردآوری، تحلیل و اعتبارسنجی داده‌های موردنیاز پژوهش، صورت پذیرفته است. با بهره‌گیری از روش تحلیل ساختاری، نیروهای پیشران سازندهٔ آینده آیین‌نامه مزبور شناسایی و احصا شده است. سپس با بهره‌گیری از نرم‌افزار سناریوویزارد، سناریوهای محتمل و سازگار برای آیندهٔ آیین‌نامه مزبور، شناسایی و درنهایت، در پنل خبرگان پژوهش، اعتبارسنجی، تبیین، توصیف و نهایی شده است.^{۱۰} در واقع، هدف از تحلیل ساختاری، ایجاد زمینه‌های علمی و نظری لازم برای سناریوپردازی درباره رویکردهای محتمل آیندهٔ آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی ایران (در افق ۱۴۱۴) و هدف از سناریوپردازی نیز شناخت و درک گزینه‌های بدیل متصور (یا محتمل) برای آینده آیین‌نامه مزبور در افق یادشده است. فرایند انجام پژوهش به شرح گام‌های شکل ۱ تصویر شده است:

8. Alternative thinking

۹. شناسایی و وزن‌دهی به پیشران‌ها به کمک خبره‌ها در دو مرحله صورت گرفته است. خبره‌ها هنگامی که ماتریس اثرات متقاطع را تکمیل می‌کنند و همچنین در قالب پنل خبرگی که نتایج تحلیل ساختاری را بررسی می‌کنند به صورت مستقیم به پیشران‌ها وزن می‌دهند و آنها را صورت‌بندی می‌کنند.

۱۰. در واقع، اعتبار سناریوها هم به میزان سازگاری درونی در تحلیل‌های نرم‌افزاری مربوط است و هم به قضاوت نهایی خبره‌ها در پنل و تدوین داستان سناریوها در کارگاه‌ها که قابل قبول بودن سناریوها و داستان آنها می‌باید به تأیید بخش اصلی ذی‌نفعان و اعضای پنل‌ها برسد.



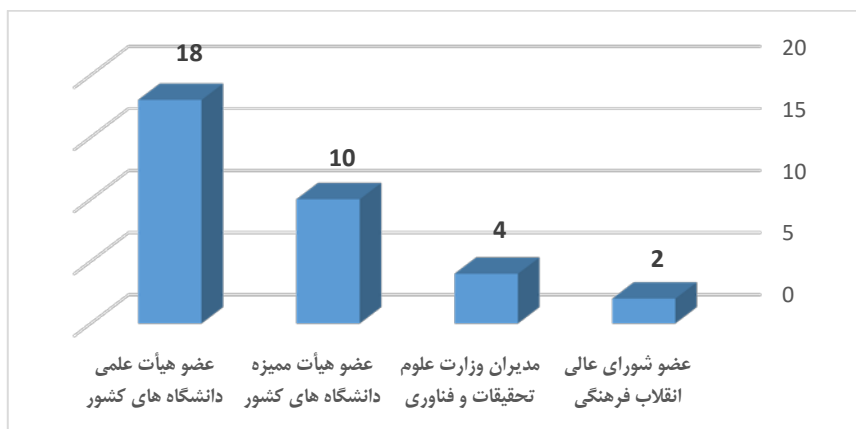
شکل ۱- فرایند پژوهش

در گام نخست، کوشش شده است با بهره‌گیری از تحلیل ساختاری اثرگذاری‌ها و اثرپذیری‌های میان عوامل مزبور، عواملی که دارای بیشترین اثرگذاری و اثرپذیری در موضوع پژوهش هستند (و، به تبع آن، دارای اهمیت و عدم قطعیت بیشتر به حساب می‌آیند) به عنوان نیروهای پیشران استخراج گردند. برای این منظور، از ابزار ماتریس تحلیل آثار متقابل برای گردآوری داده‌ها از خبرگان و از نرم‌افزار میک مک برای تحلیل روابط متقابل و تعیین نیروهای پیشران (شامل ۵ پیشران) بهره‌گیری شده است.^{۱۱} در گام بعد، برای هر کدام از این پیشران‌ها، دو یا سه عدم قطعیت در پنل خبرگان تعیین گردید؛ سپس روابط زوجی میان عدم قطعیت‌ها با بهره‌گیری از پرسشنامه ذی ربط و رجوع به خبرگان انجام گرفت. آنگاه، با بهره‌گیری از نرم‌افزار سناریوویزارد، سناریوهای سازگار برای آینده آیین‌نامه ارتقاء (شامل ۵ سناریو) تعیین گردید. در نهایت، با ارزیابی، جمع‌بندی و یکپارچه‌سازی سناریوهای خروجی نرم‌افزار در پنل خبرگان، سه سناریوی اصلی و محتمل برای آینده آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی در ایران، تدوین و توصیف گردید. سناریوهای نهایی این پژوهش، ارائه‌دهنده تصویری متفاوت از آینده آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی در افق

۱۱. در مراحل تدوین سناریو، قبل از پرداختن به داستان سناریوها، لازم است که، از طریق مرور منابع، مصاحبه و پنل‌های خبرگی، ذهن انگیزی، مولفه‌ها و نیروهای اثرگذار بر آینده آیین‌نامه ارتقاء احصا و وزن‌دهی شوند و از بین آنها نیروهای پیشران انتخاب گردند. با توجه به حجم مقاله و پرداختن به این مراحل در پروژه‌های با همین عنوان، از پرداختن به تک تک این مراحل صرف‌نظر شده است و صرفاً عناوین مهمترین نیروهای پیشران که دارای بالاترین عدم قطعیت بودند، آورده و تحلیل شده است.

پژوهش (سال ۱۴۱۴) هستند و تحقق هر کدام از آنها می‌تواند تاثیر و تاثرات متباینی، از جهات گوناگون، بر نظام آموزش عالی در بازه زمانی تعیین شده بر جا بگذارد.

خبرگان این پژوهش در گام پاسخگویی به پرسشنامه‌های تحلیل ساختاری و تحلیل سناریویی، شامل ۳۴ نفر از صاحب‌نظران در موضوع پژوهش بوده است. انتخاب نمونه، به دلیل ماهیت کیفی پژوهش، به روش نمونه‌گیری انتخابی هدفمند انجام گرفته و از رویکرد گلوله‌برفی در انتخاب خبرگان بهره گرفته شده است. در این رویکرد، شماری از شناخته‌شده‌ترین خبرگان، راهنمای پژوهشگران برای دسترسی به دیگر خبرگان (بر حسب بسامد تکرار نام آنها) بوده‌اند. در نهایت، حجم نمونه (۳۴ نفر)، با در نظر گرفتن اصل اشباع دیدگاهی، انتخاب شد. ترکیب خبرگان پژوهش - از نظر توزیع جنسیتی - ۳۲٪ خبرگان، زن و ۶۸٪ مرد بوده‌اند. از نظر توزیع سنی، ۲۰٪ بین ۳۰ تا ۴۵ سال، ۵۳٪ بین ۴۵ تا ۶۰ سال بوده‌اند و ۲۷٪ نیز سن بیشتر از ۶۰ سال داشته‌اند. از نظر زمینه تخصصی، ۴۴٪ خبرگان دارای تخصص در حوزه علوم اجتماعی، ۳۲٪ در حوزه علوم فنی مهندسی، ۱۹٪ در حوزه علوم پایه و ۶٪ در حوزه علوم پزشکی بوده‌اند. از نظر پراکندگی دانشگاهی، ۶۲٪ از میان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی، ۱۸٪ از مراکز پژوهشی، ۱۲٪ از دانشگاه پیام‌نور و ۹٪ از دانشگاه آزاد بوده‌اند. از نظر پراکندگی جغرافیایی، ۶۵٪ از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استان تهران، و ۳۵٪ از سایر استان‌های کشور بوده‌اند. مرتبه خبرگان پژوهش از حیث جایگاه تخصصی، در شکل ۲ به تصویر کشیده شده است.



شکل ۲- ترکیب پاسخگویان به پرسشنامه‌ها از حیث جایگاه تخصصی (بر حسب تعداد)

افزون بر آن، پنل خبرگان پژوهش، متشکل از ۹ نفر از صاحب‌نظران در حوزه‌های مرتبط بوده است که ۶ نفرشان عضو هیئت علمی، ۲ نفر عضو هیئت ممیزه دانشگاه‌های کشور و ۱ نفر عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده‌اند. باتوجه به نقش برجسته پنل خبرگی در تحلیل و تعیین نتایج نهایی پژوهش، اعضای این

پنل از میان آگاه‌ترین خبرگان زمینه آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، برگزیده شده‌اند. رویکرد روش‌شناسانه پنل خبرگان مبتنی بر تحقق همگرایی و تداوم گفتگو تا دستیابی به بالاترین درجه اجماع درباره موارد مورد بحث بوده است.^{۱۲}

یافته‌ها

عوامل کلیدی مؤثر بر آینده آیین‌نامه ارتقاء: در پژوهشی با عنوان «توسعه رویکرد آینده‌پژوهانه در بازبینی آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی ایران در افق ۱۴۱۴»، با استناد به «ترازیابی بازیگران مشابه (آیین‌نامه‌های ارتقای مرتبه علمی اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌های معتبر جهانی)» و نیز «مرور منابع و ارزیابی روندها و کلان‌روندهای داخلی و خارجی مؤثر بر آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی» و نیز «مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با اعضای هیئت علمی فعال در دانشگاه‌های کشور»، در نهایت تعداد ۹ عامل یا مؤلفه کلیدی را با رویکرد حداکثر توافق میان خبرگان و با لحاظ اثرگذاری‌ها و همپوشانی‌ها، به‌عنوان عوامل کلیدی پژوهش، شناسایی کرده‌اند. این عوامل به‌عنوان داده‌های ورودی پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است و به شرح جدول ۲ آمده است:

جدول ۲- عوامل کلیدی مؤثر بر آینده آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی

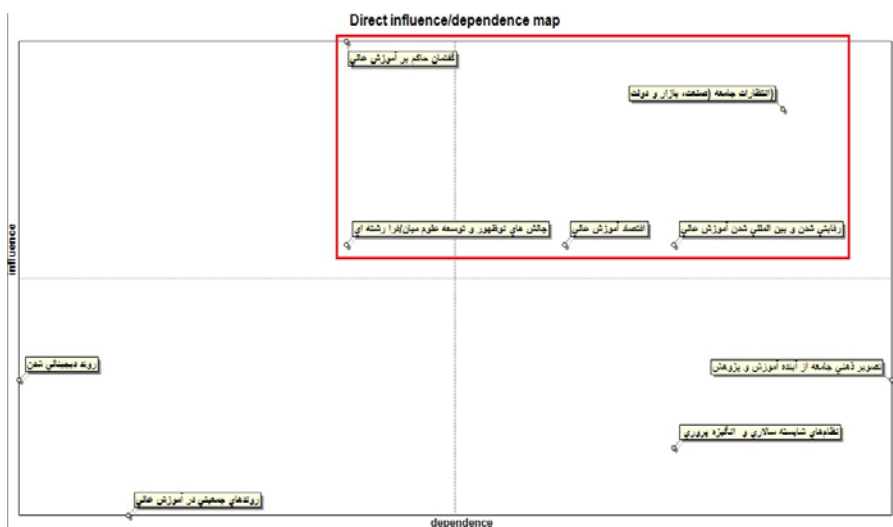
ردیف	عامل کلیدی
۱	انتظار جامعه (صنعت، بازار و دولت) از آموزش عالی
۲	روند دیجیتالی شدن
۳	تصویر ذهنی جامعه از آینده آموزش عالی
۴	نظام‌های شایسته سالاری و انگیزه پروری
۵	گفتمان حاکم بر آموزش عالی در ایران ^{۱۳}
۶	چالش‌های نوظهور و توسعه علوم میان رشته‌ای و فرارشته‌ای
۷	رقابتی و بین‌المللی شدن آموزش عالی ^{۱۴}
۸	اقتصاد آموزش عالی
۹	روندهای جمعیتی در آموزش عالی

۱۲. ترکیب اعضای پنل (پنلیست‌ها)، سؤالات مطرح در پنل‌ها و مصاحبه‌ها بر اساس پروتکلی بود که از قبل تهیه شده بود. در ۲ مرحله از پرسشنامه محقق ساخت و باز برای مصاحبه و پنل استفاده شده است و در هر دو مرحله، در باره معرفی نیروهای اثرگذار بر آینده آیین‌نامه و وزن دهی به آنها، از خبره‌ها سوال پرسیده شده است.

۱۳. برنامه‌ریزی آموزش عالی در کشور ایران ساخت و ریخت بیش از اندازه هرمی و متمرکز و عمودی داشته است. نهادهای دولتی نقشی خودخوانده در الگوی مداخله حداکثری بر عهده گرفته‌اند؛ در حالی که قدرت مناسب و مشروع برای راهبری آموزش عالی قدرت شناختی و علمی-تخصصی و خبرگی حرفه‌ای است و نه قدرت سیاسی و سلسله مراتبی (فراستخواه، منیعی: ۱۳۹۳).

۱۴. آموزش عالی فراملی عبارت از مجموعه برنامه‌های آموزشی و درسی (حضور یا غیر حضوری) است که مؤسسه‌ای از کشور مبدأ در کشور مقصد عرضه می‌کند. این نوع آموزش مشمول آیین‌نامه‌های تجارت جهانی است. آموزش عالی فراملی در کشور ایران نیز در دهه گذشته مورد توجه قرار گرفته است و تعدادی از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دوره‌های آموزش عالی فراملی برگزار کرده‌اند (بازرگان و همکاران: ۱۳۸۹).

تحلیل آثار متقابل: پس از شناسایی عوامل کلیدی از طریق پرسشنامه ماتریس تحلیل تاثیرات متقاطع، اثرگذاری و اثرپذیری هر کدام از این عوامل بر یکدیگر با بهره‌گیری از ماتریس تحلیل آثار متقابل بررسی شد. در روش تحلیل ساختاری آثار متقابل، تأثیر هر روند (مؤلفه) بر روند (مؤلفه)های دیگر ارزیابی و در یک طیف کمی (شامل، به معنای بدون تأثیر، ۱ به معنای تأثیر کم، ۲ به معنای تأثیر نسبی و ۳ به معنای تأثیر زیاد) ارزیابی و درجه‌بندی می‌شود. برای این منظور، از ماتریسی به ابعاد 9×9 شامل ۹ مؤلفه کلیدی استفاده شد تا وضعیت هر یک از آن‌ها (از حیث تاثیرگذاری، تاثیرپذیری و روابط متقابل) در نظام (سیستم) مشخص گردد. خروجی این نرم افزار، عوامل کلیدی دارای اثرگذاری و اثرپذیری بیشتر را به منظور تعیین نیروهای پیشران شکل دهنده به «آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی ایران» به دست می‌دهد. پس از اجرای نرم‌افزار میک‌مک، می‌توان نوع و وضعیت هر یک از متغیرهای اصلی را با توجه به موقعیت آن‌ها در نقشه تاثیرات مستقیم، به شرح شکل ۴ تبیین نمود.

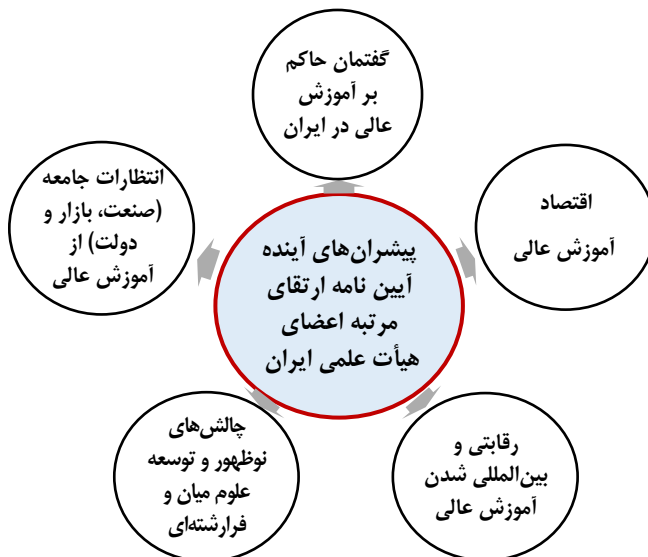


شکل ۳- نقشه تاثیرات مستقیم مؤلفه‌های کلیدی

بر اساس تحلیل مؤلفه‌های کلیدی شناسایی شده و جایگاه آنها در نقشه تاثیرگذاری/تاثیرپذیری، می‌توان به درک جامع‌تری از نیروهای پیشران پژوهش دست یافت. بر این اساس، دو متغیر «گفتمان حاکم بر آموزش عالی در ایران»، «چالش‌های نوظهور و توسعه علوم میان و فرارشته‌ای»، با قرار گرفتن در ربع بالا و سمت چپ نقشه اثرگذاری/اثرپذیری مستقیم متغیرها، متغیرهای اثرگذار این پژوهش (دارای اثرگذاری زیاد یا خیلی زیاد و اثرپذیری نسبتاً کم) هستند. «بحرانی‌ترین» شاخص‌ها، وضعیت نظام (سیستم) و تغییرات آن، وابسته به متغیرهای تاثیرگذار است و توسط سیستم (نظام ارتقای استادان) چندان قابل کنترل نیستند؛

زیرا تاثیرپذیری آنها نسبتا کم است و تغییر آنها وابسته به تغییر در عوامل بسیار دیگری است (از جمله روندها، رویدادها و مولفه‌های کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که از دامنه نفوذ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری خارج‌اند). سه متغیر «انتظار جامعه (صنعت، بازار و دولت) از آموزش عالی»، «رقابتی و بین‌المللی شدن آموزش عالی» و «اقتصاد آموزش عالی» نیز، در موضوع پژوهش (آینده آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها)، به‌عنوان متغیرهای دوجوهی شناخته شده است؛ بدین معنی که هم دارای تاثیرگذاری نسبتا زیاد و هم دارای تاثیرپذیری زیاد یا نسبتا زیاد هستند. طبیعت متغیرهای دوجوهی با ناپایداری آمیخته است؛ زیرا هر عمل و تغییری بر روی آن‌ها، واکنش و تغییر بر دیگر شاخص‌ها را به دنبال خواهد داشت و می‌تواند موضوع کنش و واکنش سیاستگذاران باشند.

تعیین نیروهای پیشران سازنده آیین‌نامه ارتقاء: همچنان که در نقشه تاثیرات مستقیم متغیرها مشاهده می‌شود، پنج مولفه کلیدی (شامل سه متغیر دوجوهی و دو متغیر تاثیرگذار) قسمت بالای نقشه تاثیرات، دارای بالاترین درجه تاثیرگذاری و، به‌تبع آن، بیشترین ناپایداری و عدم قطعیت شناخته شده‌اند. چهار متغیر دیگر، در دو ربع پایینی جدول، به عنوان متغیرهای تاثیرپذیر و متغیرهای مستقل شناخته شده‌اند و با نظر به اثرگذاری کمتر مبتنی بر نتایج تحلیل ساختاری، از شمول نیروهای پیشران (بنا به دیدگاه خبرگان پژوهش) خارج می‌شوند. در نتیجه، پنج عامل کلیدی (بر اساس خروجی نرم‌افزار میک‌مک و تایید و اجماع خبرگان در پنل خبرگان)، در این پژوهش به عنوان نیروهای پیشران شناسایی می‌شوند.



شکل ۴- پنج نیروی پیشران شناسایی شده مؤثر بر آینده آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی ایران

این نیروهای پیشران، به تایید خبرگان پژوهش، از اهمیت و نیز عدم قطعیت زیادی در موضوع پژوهش (یعنی آینده‌آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی ایران) برخوردارند و عدم قطعیت‌های آنها ابزار اصلی مرحله بعدی پژوهش (استفاده از نرم‌افزار سناریوویزارد) شناخته می‌شوند. به‌طور خلاصه، بر اساس یافته‌های پیمایش میدانی و نیز تایید و تصریح خبرگان در پنل خبرگان پژوهش، عامل «گفتن حاکم بر آموزش عالی» مهمترین نیروی پیشران در موضوع این پژوهش در افق مورد نظر شناخته شده است. گفتن حاکم بر آموزش عالی بر دخالت‌ها و اثرگذاری‌های حاصل از ملاحظات سیاسی، امنیتی، فرهنگی و ارزشی بر نظام حکمرانی و مدیریت (سیاستگذاری و تصمیم‌گیری) در آموزش عالی و به تبع تاثیر آن بر سازوکارهای ارزیابی شایستگی و ارتقای رتبه دانشگاهیان در این سیستم دلالت دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، یک نیروی پیشران مهم و موثر دیگر موثر بر آینده نظام ارزیابی و ارتقای اعضای هیئت علمی، انتظارات جامعه به طور عام و ذی‌نفعان کلیدی (شامل صنعت، دولت، و بازار) به طور خاص از نظام آموزش عالی است. بر این اساس، متناسب با تغییر مقتضیات و ضرورت اجتناب‌ناپذیر پاسخگویی نظام آموزش عالی به جامعه، تاثیر انتظارات اجتماعی و نیازهای ذی‌نفعان و لزوم در نظر گرفتن آنها نقشی برجسته‌تر و بازتابی پرطنین‌تر در تنظیم آیین‌نامه آینده ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی خواهد داشت.

نیروی پیشران سوم، رقابت روزافزون میان دانشگاه‌های داخلی با یکدیگر و همچنین اهمیت بیشتر ارتقای توان رقابت‌پذیری دانشگاه‌ها در عرصه جهانی است. یافتن جایگاهی قابل قبول در عرصه رقابت علمی، بر اساس قواعد و استانداردهای فراملی و بین‌المللی، پیشرانی با اهمیت در تبیین رویکردها و انتخاب جهت‌گیری‌های راهبردی در مسیر تدوین آیین‌نامه‌ی آینده ارتقای اعضای هیئت علمی در کشور است. در همین راستا، بر لحاظ اهمیت توسعه ارتباطات و همکاری‌های علمی و پژوهشی (پروژه‌های مشترک نوآورانه و کارآفرینانه) میان دانشگاه‌های مطرح کشور با دانشگاه‌های صاحب‌نام دیگر در سطح جهانی نیز تاکید شده است. پیشران چهارم در تنظیم و تدوین آیین‌نامه آینده ارتقاء، اقتصاد آموزش عالی است که خود از سویی بر روند پرشتاب تجاری شدن آموزش عالی در ایران (و جهان) و ضرورت‌ها، الزامات، امکانات و چالش‌های ناشی از آن اشاره می‌کند و هم از سوی دیگر، بر اهمیت توجه به موضوع نظام درآمدها و ارتقای امکانات اقتصادی اعضای هیئت علمی در کشور، برای تدوین آیین‌نامه مزبور دلالت دارد. و سرانجام، پیشران پنجم، توجه به چالش‌های اجتماعی نوظهور در عرصه‌های داخلی و جهانی به‌طور عام و ضرورت انطباق‌پذیری نظام‌های آکادمیک با مقتضیات فرارشته‌ای و غیرتخصصی موضوعات نوین و توسعه چشم‌انداز جامع‌نگرانه، رویکرد سیستمی و نگاه کل‌گرایانه به همراه لحاظ ماهیت میان رشته‌ای (ازجمله توجه به سوبه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، محیطی) در بسیاری از مسایل و چالش‌های دنیای پیچیده و در حال تکامل است. با شناخت عدم قطعیت‌های نهفته در این نیروهای پیشران، در گام بعدی امکان شناسایی و توسعه سناریوهای پیش‌روی نظام ارتقای دانشگاهی و آیین‌نامه ذی‌ربط فراهم خواهد شد.

تعیین عدم‌قطعیت‌های مرتبط با نیروهای پیشران: عدم‌قطعیت‌های پژوهش از طریق تشکیل یک پنل خبرگی، با مشارکت خبرگان ذی‌ربط و با بهره‌گیری از یافته‌های پیشین، نهایی شد. در نشست پنل خبرگان، عدم قطعیت‌های مرتبط با هر یک از پیشران‌های پنج‌گانه پژوهش به بحث گذاشته شد و برای هر یک از پیشران‌های شناسایی‌شده، دو یا سه حالت عدم‌قطعیت تعریف شده‌است که در تحلیل سناریویی به کار گرفته خواهد شد. عدم‌قطعیت‌های مرتبط با هر نیروی پیشران، به شرح جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- مهمترین پیشران‌ها و عدم‌قطعیت‌های موثر بر آینده آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای

هیئت علمی ایران

ردیف	پیشران	عدم قطعیت	توضیح
۱	گفتمان حاکم بر آموزش عالی در ایران	تداوم وضعیت موجود	تقابل و تعامل میان گفتمان سکولار و گفتمان اسلامی شدن دانشگاه‌ها و سرفصل‌ها و کتاب‌ها، به صورت چالشی در بین دانشگاهیان باقی است و شاخص‌ها و معیارهای فعلی، کم‌وبیش، جاری خواهند بود.
		غلبه گفتمان ایدئولوژیک	وضعیتی است که در آن گفتمان مبتنی بر تعهدمحوری بر گفتمان تخصص‌محوری غلبه کرده و گفتمان اسلامی شدن دانشگاه‌ها و وابستگی به نهادهای ارزشی و انتقالی در نظام آموزش عالی حاکم شده است.
۲	انتظار جامعه (صنعت، بازار و دولت) از آموزش عالی	افزایش انتظارات جامعه از آموزش عالی	فشارها بر روی آموزش عالی افزایش خواهد یافت و معیار ارتقای استادان، میزان کارآمدی آنها در حل مشکلات صنعت، دولت، بازار و مدنی خواهد بود. تعامل، شفافیت، کاربردی شدن و پاسخگویی بیشتر به انتظارات جامعه در اولویت قرار دارد.
		تداوم وضع موجود	جامعه در وضعیتی پر فراز و نشیب باقی خواهد ماند و، به صورت تناوبی، شاهد تغییر انتظارات و فشارهای نهادهای بیرونی به نظام آموزش عالی خواهیم بود. در واقع، انتظارات وجود دارد اما بسترهای لازم برای تحقق آن فراهم نیست.
		کاهش انتظارات جامعه از آموزش عالی	بی‌تفاوتی جامعه و دولت به آموزش عالی گسترش می‌یابد. انتظارات و اعتماد جامعه کاهش می‌پذیرد و آموزش عالی برای دولت به نهادی هزینه‌زا تبدیل می‌شود. شکاف میان آموزش عالی با صنعت و بازار نیز افزایش یافته است.
۳	اقتصاد آموزش عالی	تقویت اقتصاد آموزش عالی	اقتصاد آموزش عالی در این وضعیت، تحت تاثیر اقتصاد ملی، بهتر شده و یا اینکه تحت تاثیر مقررات جدید و تجاری‌سازی به سمت درآمدزایی حرکت کرده و در نتیجه دسترسی آموزش عالی به منابع مالی بهتر شده است.

ردیف	پیشران	عدم قطعیت	توضیح
		تداوم وضع موجود	همچنان شاهد کمبود منابع مالی در دانشگاه‌ها و کمبود بودجه دانشگاه‌ها و نارضایتی اعضای هیئت علمی نسبت به میزان حقوق و مزایای دریافتی هستیم. آنان می‌کوشند از منابع دیگری، به جز آموزشی و پژوهشی، درآمد کسب کنند.
		تضعیف اقتصاد آموزش عالی	با وخامت وضعیت اقتصادی جامعه، ناکام ماندن پروژه تجاری و همین‌طور تضعیف قدرت اقتصادی دولت، شاهد کاهش شدید بودجه آموزش عالی و کم شدن قدرت نظام آموزش عالی در جبران خدمات اعضای هیئت علمی خواهیم بود.
۴	رقابتی و بین‌المللی شدن آموزش عالی ^{۱۵}	تشدید رقابتی و بین‌المللی شدن آموزش عالی	همگام با روندهای جهانی شاهد اهمیت یافتن بیشتر شاخص‌های بین‌المللی، افزایش تعاملات و همکاری‌های بین‌المللی، رقابت بیشتر بین دانشگاه‌ها در به‌دست آوردن جایگاه بهتر در رتبه‌بندی‌های جهانی و اهمیت بیشتر برای نشر در مجلات و پایگاه‌های علمی خواهیم بود.
		تداوم وضعیت موجود	برخوردهای دوگانه با روند بین‌المللی شدن آموزش عالی وجود دارد. شماری از سیاستگذاران بر رقابتی و بین‌المللی شدن فعالیت‌ها دارند و شماری دیگر بر بومی کردن رقابت و کم اهمیت بودن نظام‌های رتبه‌بندی و پایگاه‌های علمی بین‌المللی جهانی تاکید دارند.
۵	چالش‌های نوظهور و توسعه علوم میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای	رشد سریع	سرعت رشد توسعه علوم میان‌/فرارشته‌ای افزایش می‌یابد و اهمیت چالش‌های نوظهور، ضرورت همکاری میان‌رشته‌ای و راه‌اندازی رشته‌ها یا رویکردهای نوین دانشگاهی برای مطالعه و بررسی این چالش‌ها به رسمیت شناخته می‌شود.
		رشد کند	ساختارهای سنتی نظام آموزش عالی در مقابل توسعه علوم میان‌رشته‌ای، ضرورت توسعه این علوم برای پاسخ به چالش‌های نوظهور و توسعه مشوق‌ها در این زمینه، مقاومت می‌کنند.

نهایی‌سازی سناریوها در پنل خبرگان: باتوجه به اهمیت لحاظ رویکرد کیفی در فرایند سناریوپردازی، نتایج حاصل از نرم‌افزار در پنل خبرگان پژوهش مطرح و به بحث گذاشته شد. پس از بررسی دقیق و کارشناسانه خروجی‌های نرم‌افزار با مشارکت گروه خبرگان، مشخص شد که برخی از سناریوهای خروجی به سبب نزدیکی مفهومی با یکدیگر قابل جمع هستند.

۱۵. مقیمی، آراسته و محمدخانی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه دیپلماسی علم و فناوری در ایران و تاثیرات نظام آموزشی عالی بر آن» به صورت مفصل بر ضرورت بین‌المللی شدن آموزش عالی و وضعیت آموزش عالی بین‌المللی پرداخته‌اند. برای مطالعه بیشتر، به این مقاله و ارجاعات آن رجوع کنید. همچنین علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه در مورد جهانی شدن و بین‌المللی شدن آموزش عالی به مقاله‌ای با عنوان «جهانی شدن و آموزش عالی، گسست میان نظریه تا کنش: راهبردهایی نوین برای توسعه آموزش عالی ایران» (جاودانی: ۱۳۸۸) مراجعه کنند.

- سناریوهای اول و دوم خروجی نرم‌افزار، در چهار عدم قطعیت کاملاً با هم مشابه هستند و تنها در یک عدم قطعیت (اقتصاد آموزش عالی) با هم تفاوت دارند. سناریوی اول مبتنی بر تقویت اقتصاد آموزش عالی است و سناریوی دوم مبتنی بر تداوم نسبی وضعیت اقتصادی نظام آموزش عالی است. این دو سناریو، بر اساس نظر خبرگان، با یکدیگر قابل جمع تشخیص داده شده‌اند و یک سناریوی نهایی از ترکیب آنها استخراج خواهد شد.
- سناریوی سوم با سناریوی چهارم تنها در یک عدم قطعیت (رقابتی و بین‌المللی شدن آموزش عالی) با هم اختلاف دارند به طوری که سناریوی سوم مبتنی بر «تشدید روند رقابتی و بین‌المللی شدن آموزش عالی»، و سناریوی چهارم مبتنی بر «تداوم آهنگ رقابتی و بین‌المللی شدن آموزش عالی» هستند. این دو سناریو در چهار عدم قطعیت دیگر با هم یکسان اند. بر اساس جمع‌بندی اعضای پنل، این دو سناریو در قالب یک سناریوی نهایی قابل ترکیب هستند.
- سناریوهای پنجم، در چهار عدم قطعیت از پنج عدم قطعیت موجود، با سناریوهای دیگر متمایز است و در نتیجه، به خودی خود، سناریویی مستقل به شمار می‌رود. بر اساس دیدگاه خبرگان، عدم قطعیت «اقتصاد آموزش عالی» در این سناریو، علاوه بر حالت «تضعیف»، با حالت «تداوم» نیز سازگار است که در تبیین نهایی سناریوها لحاظ خواهد شد.

جدول ۴- سناریوهای نهایی حاصل از جمع‌بندی یافته‌های نرم‌افزار سناریوویزارد در پنل خبرگان

سناریوی سوم	سناریوی دوم	سناریوی اول	سناریوها عدم قطعیت‌ها
سناریوی ۵ نرم‌افزار	تجمع سناریوهای ۳ و ۴ نرم‌افزار	تجمع سناریوهای ۱ و ۲ نرم‌افزار	
مکتب‌خانه منطق و ارزش	دانش‌سرای علم و فناوری	اندیشگاه خرد و کنش	
غلبه گفت‌وگو ایدئولوژیک	تداوم وضع موجود	تداوم وضع موجود	گفت‌وگو حاکم بر آموزش عالی
کاهش	تداوم وضع موجود	افزایش	انتظارات جامعه از آموزش عالی
تضعیف یا تداوم	تداوم وضع موجود	تداوم یا تقویت	اقتصاد آموزش عالی
تداوم وضع موجود	تداوم یا تشدید	تشدید	رقابتی و بین‌المللی شدن آموزش عالی
رشد کند	رشد سریع	رشد سریع	مسائل نوظهور و توسعه علوم میان/فرا رشته‌ای
۱۲	۲۲	۲۵	امتیاز تاثیر کل ^{۱۶}

هر یک از این سه سناریو، به‌طور بالقوه می‌تواند نمایانگر تصویری متفاوت از رویکرد آینده نظام ارزیابی و ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی در ایران در افق ۱۴۱۴ باشد و تحقق هر کدام از آنها می‌تواند به تفاوت‌های معناداری در شاخص‌های ارزیابی و امتیازدهی در افق مزبور، منجر شود.

تبیین و توصیف سناریوهای آینده آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی در ایران

سناریوی اول: اندیشگاه خرد و دانش: این سناریو، در مجموع حکایت از آینده‌ای می‌کند که در آن، با افزایش رقابت‌ها، همکاری‌ها و ارتباطات بین‌المللی همزمان با افزایش فشارها و انتظارات اجتماعی (شامل صنعت، بازار و نهادهای مدنی) از یک سو و برخی تحولات در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی از سوی دیگر، توازن به نسبت پایدار میان دیدگاه‌های سکولار و ایدئولوژیک در گفتمان حاکم بر نظام آموزش عالی پدید آمده است. آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی و شاخص‌های ارزیابی و امتیازدهی آیین‌نامه یادشده در این سناریو، تحت تاثیر پيشران‌ها و روندهای اصلی، دستخوش تغییرات قابل توجه شده است و افزون بر معیارهای سنتی آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجرایی، معیارهای تازه‌ای در حوزه فعالیت‌های اجتماعی، کنشگری مدنی، تعاملات فرهنگی و بین‌رشته‌ای، فعالیت‌های کارآفرینانه و خلاقانه و غیره در آیین‌نامه ارتقاء و شاخص‌های ذی‌ربط وارد شده است. گرایش نظام‌های شایسته‌سالاری و انگیزه‌پروری در ساختار آموزش عالی در جهت همگامی و سازگاری با روندهای نوظهور و مولفه‌های اثرگذار بر نهاد دانشگاه و دانشگاهیان (به‌طور مشخص استادان و اعضای هیئت علمی) تقویت شده است. در نتیجه، علاوه بر چهار گروه از شاخص‌هایی که از قبل در آیین‌نامه موجود بوده است، یک گروه جدید تحت عنوان «فعالیت‌های اجتماعی» (با زیرشاخص‌هایی چون مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ارزش‌آفرینی اجتماعی-اقتصادی، کارآفرینی و نوآوری) نیز به ردیف شاخص‌های جدول امتیازات آیین‌نامه افزوده شده است. به طور مثال، پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های بازیگران و ذی‌نفعان مختلف اجتماعی از اهمیت بیشتری در فهرست وظایف و قابلیت‌های اعضای هیئت علمی برخوردار می‌شود و از جمله، تعاملات استادان دانشگاهی با دانشجویان و انجمن‌های دانشجویی، سازمان‌های دولتی و حاکمیتی، جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد، بخش خصوصی و بازار، اصناف و اتحادیه‌ها و همین‌طور بنگاه‌ها و موسسات صنعتی، به عنوان شاخصی برای سنجش عملکرد آنان و ملاک ارتقای مرتبه قرار خواهد گرفت. در این سناریو، کوشش‌های اعضای هیئت علمی در مسیر افزایش ارتباطات، همکاری‌ها، شبکه‌سازی و رقابت‌پذیری در عرصه بین‌المللی نیز واجد وزن بیشتری در شاخص‌های امتیازدهی در آیین‌نامه ذی‌ربط است^{۱۷}. یکی دیگر از موارد مورد توجه در این راستا توان جذب سرمایه‌های اقتصادی، فیزیکی، اجتماعی، معنوی و نمادین به دانشگاه توسط اعضای هیئت علمی است که خود در قالب زیرشاخص‌های متنوع و متفاوتی تعریف شده است.

۱۷. مراجعه کنید به مقاله «سازوکارهای بین‌المللی شدن در دانشگاه‌های منتخب جهان و ایران» (پوراتشی: ۱۳۹۷)

متناسب با افزایش پیچیدگی‌ها و نیاز به داشتن نگاه کل‌گرایانه (و نه صرفاً تخصصی و جزیره‌ای)، موضوع ارتقای ظرفیت نهاد دانشگاه برای رویارویی با چالش‌ها و مسایل نوظهور^{۱۸}، از طریق افزایش مهارت‌ها و قابلیت‌های میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای استادان (چه به طور فردی و چه در قالب تیمی، مشارکتی و شبکه‌ای) و به‌طور کلی ادراک و توسعه سیستم‌های فنی-اجتماعی، یکی دیگر از عامل(فاکتور)هایی خواهد بود که در طراحی زیرشاخص‌ها و امتیازدهی‌ها مورد تأکید قرار خواهد گرفت. در مجموع، اقدامات و فعالیت‌های اعضای هیئت علمی در راستای نیازهای غالب در روندهای جهانی و ملی در عرصه توسعه دانشگاه‌های فردا (از جمله ارتقای تصویر ذهنی جامعه، توسعه تجاری‌سازی، دیجیتال و برخط(آنلاین) شدن، سهیم شدن در مرزهای دانش جهانی، توسعه بومی و درون‌زای دانش از طریق توانمندسازی، کارآفرینی و مسئله‌گشایی در حوزه‌های فنی و اجتماعی و کنش ارتباطی با حوزه فرهنگ عمومی) همگی به بازبینی در شاخص‌ها و زیرشاخص‌های امتیازآور در آیین‌نامه قبلی و بازطراحی یا ایجاد معیارهایی نوین، متناسب با تحولات در حال وقوع و انتظارات فرآیندهای پیش‌رو، در آیین‌نامه جدید ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی منجر شده است.

جدول ۵- امتیازهای لازم برای ارتقای مرتبه در آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی در سناریوی نخست

ردیف	گروه	عنوان	زیرشاخص‌های اصلی	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز
۱	شاخص‌های گروه اول	فعالیت‌های فرهنگی	فعالیت‌های فرهنگی و ارزشی	۱۰	۲۵
۲	شاخص‌های گروه دوم	فعالیت‌های آموزشی	نظم، کیفیت و کمیّت تدریس	۲۰	۴۵
۳	شاخص‌های گروه سوم	فعالیت‌های پژوهشی-فناوری	مقالات پژوهشی، راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌ها و اختراعات علمی	۴۵	۹۰
۴	شاخص‌های گروه چهارم	فعالیت‌های علمی-اجرایی	حضور و مشارکت اجرایی	۱۰	۲۵
۵	شاخص‌های گروه پنجم	شاخص‌های اجتماعی-شبکه‌ای	مسئولیت‌پذیری و ارزش‌آفرینی اجتماعی	۲۰	۴۵
			حداقل امتیاز برای دانشیاری	۱۲۰	
			حداقل امتیاز برای استادی	۱۳۵	

سناریوی دوم: دانش‌سرای علم و فناوری: این سناریو دلالت بر وضعیتی دارد که در آن، ضمن تداوم نسبی گفتمان چندسویه حاکم بر نظام آموزش عالی و همچنین ثبات وزن انتظارات (اعم از صنعت،

۱۸. مراجعه کنید به مقاله «سنخ‌شناسی دانشگاه‌های برتر جهان از منظر توسعه پایدار» (پوراتشی، زمانی: ۱۳۹۹)

بازار و دولت) از نهاد دانشگاه، تفاوت چشمگیری در جایگاه نهاد دانشگاه‌ها و به تبع آن، روندهای موثر بر آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی رخ نداده است. در این سناریو، شاخص‌های ارزیابی و امتیازدهی در نظام ارتقای استادان، در ادامه مسیر سال‌های گذشته، تحولی اساسی نداشته است و شاخص‌های موجود در همان رده‌های کلی آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجرایی، با اصلاحات و تغییراتی جزئی در تخصیص امتیازات و زیرشاخص‌های ذی‌ربط (و بدون تاثیرپذیری ویژه از پیشران‌های تبیین‌شده در این پژوهش)، به‌روزرسانی شده است. نظام‌های شایسته‌سالاری و انگیزه‌پروری در ساختار آموزش عالی بیشتر بر معیارهای سنتی (آموزش و پژوهش) تمرکز دارند و متناسب با تحولات نوظهور محیطی، به‌روزرسانی نشده‌اند. در نتیجه، آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی نیز مبتنی بر همان شاخص‌های فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجرایی آیین‌نامه قدیم است که، در محیط پیچیده‌تر سال ۱۴۱۴ شمسی، به اندازه کافی برای شناسایی جامع استعدادها در این نظام، کارا و اثربخش نیست و نمی‌تواند برای تحریک خلاقیت، آینده‌نگری، نقادی و کارآفرینی در میان اعضای هیئت علمی انگیزه‌بخش باشد.

پاسخگویی به نیازهای جامعه به‌عنوان مأموریت یا رسالت دانشگاه درونی نشده است و فعالیت‌های استادان در جهت ارتقای منفعت دانشکده یا بخش مربوط به خود، بیش از سایر گرایش‌ها (از جمله شبکه‌سازی و ارتقای سود همگانی) مورد توجه نظام ارتقای مرتبه قرار می‌گیرد. از این‌رو، در این سناریو، تلاش استادان به‌طور ضمنی و ناخودآگاه به سوی فعالیت‌های غیرزاینده‌ای چون چاپ مقاله و کتاب‌سازی سریع پیش می‌روند و اعضای هیئت علمی کمتر در میدان عمل با مشکلات واقعی صنعت و جامعه دست و پنجه نرم می‌کنند. به‌علاوه، رقابت میان دانشگاه‌ها برای سهم‌بری از بودجه عمومی افزایش یافته است و به شاخص‌هایی در میان اعضای خود امتیاز می‌دهند، که این خود امکان بهره‌مندی از این سهم یا رانت‌های دولتی را افزایش می‌دهد. در همین راستا، اگرچه ضرورت بهره‌مندی از نگاه و مهارت فرا/ میان‌رشته‌ای، به‌خاطر فشار روندهای جهانی در این‌خصوص، از تریبون‌ها شنیده می‌شود و برای خانواده دانشگاه شناخته شده است، با این‌حال هنوز ادراک جامعی از چنین ضرورتی در میان بخش گسترده‌ای از جامعه دانشگاهی وجود ندارد و بیشتر به‌عنوان یک شعار تزینی و امروزی پذیرفته شده است. به این ترتیب، اگرچه داشتن قابلیت‌ها و سوابق جامع‌نگرانه و کل‌گرایانه، منجر به تعریف سرفصل‌های درسی جدیدی شده، اما چندان در میان شاخص‌های ارزیابی عملکرد اعضا، جایگاهی نیافته است. روح آیین‌نامه ارتقاء و نظام امتیازات ذی‌ربط، مبتنی بر همان عامل‌های گذشته بوده و، جز تعدیل‌هایی جزئی، تغییری بنیادین نیافته است.

جدول ۶- امتیازهای لازم برای ارتقای مرتبه در آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی در سناریوی دوم

ردیف	گروه	عنوان	زیرشاخص‌های اصلی	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز
۱	شاخص‌های گروه اول	فعالیت‌های فرهنگی	فعالیت‌های فرهنگی و ارزشی	۱۰	۳۵
۲	شاخص‌های گروه دوم	فعالیت‌های آموزشی	نظم، کیفیت و کمیت تدریس	۲۵	۴۵
۳	شاخص‌های گروه سوم	فعالیت‌های پژوهشی- فناوری	مقالات پژوهشی، راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌ها و افتخارات علمی	۵۵	۱۱۰
۴	شاخص‌های گروه چهارم	فعالیت‌های علمی-اجرایی	حضور و مشارکت اجرایی	۱۵	۴۰
				۱۲۰	
حداقل امتیاز برای دانشیاری					
				۱۳۰	
حداقل امتیاز برای استادی					

سناریوی سوم: مکتب‌خانه منطق و ارزش: این سناریو حکایت از آینده‌ای با غلبه کامل گفتمان ایدئولوژیک بر سایر گفتمان‌ها در نظام آموزش عالی دارد. در این سناریو، از یک سو، رفع نسبی تناقض گفتمانی، منجر به یکدستی و هم‌آوایی بیشتر در تدوین و به‌روزرسانی آیین‌نامه ارتقاء شده است و از سوی دیگر، چالش‌ها و محدودیت‌های جدید در مسیر تعاملات و نقش‌آفرینی دانشگاه‌ها فاصله دانشگاه با بدنه اجتماعی فعال را بیشتر کرده است. در نتیجه، انتظارات اجتماعی از نهاد دانشگاه کاهش یافته و فاصله معیارهای نظام شایسته‌سالاری با استانداردهای جهانی در این زمینه رو به افزایش نهاده است. در این سناریو، وزن شاخص‌های سیاسی و مذهبی و معیارهای مأموریت‌گرایانه در نظام امتیازدهی آیین‌نامه ارتقاء، نسبت به قبل، به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کرده است. در این شرایط، در نظام‌های شایسته‌سالاری و انگیزه‌پروری که مبنای بنیادین آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی است، تعاریف متفاوت‌تری از مفهوم شایستگی صورت گرفته است و شایستگی افراد نخست از منظر تعهد سیاسی و ایدئولوژیک و سپس از منظر دستاوردهای علمی و پژوهشی سنجیده می‌شود. این موضوع منجر به ایجاد تغییراتی چشمگیر در آیین‌نامه‌ی ربط شده است؛ شاخص‌های آموزشی و پژوهشی با تغییراتی جزئی در زیرشاخص‌ها، نسبت به قبل، تغییرات اساسی ندارند و تنها در مواردی، زیرشاخص‌های مزبور برای تضمین پایداری ایدئولوژیک در محیط آکادمیک (از جمله میزان پایبندی به گفتمان مورد حمایت ساختار قدرت رسمی در کلاس‌های درسی یا در نظر گرفتن امتیازات ویژه برای تطبیق دادن علاقه‌مندی‌های پژوهشی با مفاهیم و کلیدواژه‌های مورد علاقه حاکمیت سیاسی) دچار جرح و تعدیل شده‌اند.

شاخص‌ها و امتیازات در گروه فعالیت‌های اجرایی و فرهنگی، شاهد تغییرات بیشتری نسبت به قبل بوده است و یک گروه جدید از شاخص‌ها تحت عنوان «فعالیت‌های مأموریتی-تمدنی» به چهار گروه قبلی

افزوده شده است. بر این اساس، تعهد ایدئولوژیک، تمرکزگرایی عقیدتی و انسجام هویتی، مشارکت در فرایندهای فرهنگی با محوریت گفتمان مذهبی، میزان هم‌آوایی با شعارها و صدای غالب (مانند اقتصاد مقاومتی، پشتیبانی از تمدن نوین اسلامی-ایرانی یا مدیریت جهادی) از جمله مهمترین شاخص‌هایی است که در آیین‌نامه ذی‌ربط مورد توجه قرار گرفته و در جدول امتیازات گنجانده شده است. وزن این شاخص‌ها در مجموع امتیازات آیین‌نامه ارتقاء نیز به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته است. در عوض، همگامی با چالش‌های نوظهور برآمده از فضای رقابت و همکاری بین‌المللی و همچنین پاسخگویی به انتظارات نهادهای مستقل اجتماعی، غیرانتفاعی و مدنی، جایگاه قابل‌توجهی در طراحی فرایندهای شایسته‌سالاری و انگیزه‌پروری و، به تبع آن، نظام‌های ارتقاء ندارد. بنابراین، در نگاه حاکم بر تنظیم آیین‌نامه ارتقاء، مفهوم میان‌رشته‌ای بودن، با نگرش‌های مبتنی بر علوم اجتماعی مدرن پیوند ندارد و بیشتر بر افزایش همکاری و تعامل دانشگاه با حوزه‌های علوم دینی از یک‌سو و متخصصان فن‌سالار (تکنوکراتیک) از سوی دیگر، متمرکز است. در آیین‌نامه ارتقا و شاخص‌های تخصیص امتیاز مرتبط با آن، اقدامات و فعالیت‌های اعضای هیئت علمی در راستای ظرفیت‌سازی داخلی و توسعه قابلیت‌های درون‌زای علمی، پیشرفت و نوآوری در حوزه‌های تخصصی و اولولولیت‌های راهبردی (استراتژیک) تعیین شده از سوی مراجع رسمی و همچنین بهره‌مندی از ارتباطات مؤثر و مثبت با نهادهای ذی‌نفوذ در حاکمیت سیاسی، از جمله مهمترین معیارهای مورد نظر سیاست‌گذاران نظام آموزش عالی است. بر این اساس، شاخص‌های آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی، به تناسب رویکردهای مزبور، بازبینی شده است.

جدول ۷- امتیازهای لازم برای ارتقای مرتبه در آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی در سناریوی سوم

ردیف	گروه	عنوان	زیرشاخص‌های اصلی	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز
۱	شاخص‌های گروه اول	فعالیت‌های فرهنگی	فعالیت‌های فرهنگی و ارزشی	۱۵	۳۵
۲	شاخص‌های گروه دوم	فعالیت‌های آموزشی	نظم، کیفیت و کمیت تدریس	۲۰	۴۰
۳	شاخص‌های گروه سوم	فعالیت‌های پژوهشی-فناوری	مقالات پژوهشی، راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌ها و افتخارات علمی	۴۰	۸۰
۴	شاخص‌های گروه چهارم	فعالیت‌های علمی-اجرایی	حضور و مشارکت اجرایی	۱۵	۳۵
۵	شاخص‌های گروه پنجم	فعالیت‌های مأموریتی-تمدنی	ماموریت‌گرایی و الگوهای اسلامی ایرانی	۱۵	۴۵
			حداقل امتیاز برای دانشیاری	۱۲۰	
			حداقل امتیاز برای استادی	۱۳۵	

نتایج

«اندیشگاه خرد و کنش»، «دانش‌سرای علم و فناوری» و «مکتب‌خانه منطق و ارزش» عنوان‌های منتخب برای توصیف سه سناریوی خروجی این پژوهش بوده است. در تبیین سناریوهای نهایی، روشن است که دو سناریوی اول و سوم با پنج عدم‌قطعیت متفاوت نسبت به هم، به‌نوعی در دو سر طیف سناریویی در موضوع پژوهش قرار می‌گیرند و سناریوی دوم، به‌عنوان سناریوی میانه، به‌نوعی بر تداوم نسبی وضعیت موجود اشاره دارد. سناریوی نخست با عنوان اندیشگاه خرد و کنش، بیشتر بر ارزش‌هایی مانند همکاری، تنوع و استقلال علمی در نظام آموزش عالی مبتنی است و آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی در این سناریو، به‌طور ویژه، بر نقش استادان در گسترش ارتباطات با بخش‌های مختلف بدنه اجتماعی، عرفی‌سازی دانش، شبکه‌سازی میان‌رشته‌ای، توسعه استعدادها، مدیریت محلی و توسعه متوازن و پایدار اجتماعی/اقتصادی/سیاسی متمرکز است. سناریوی دوم، با عنوان دانش‌سرای علم و فناوری، بیشتر بر ارزش‌هایی مانند رقابت‌گرایی، تجاری‌سازی و فناوری‌محوری در نظام آموزش عالی مبتنی است و آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی در این سناریو، به‌طور ویژه، بر نقش استادان در تولید علم، اشاعه دانش و فناوری، درآمدزایی و پایبندی به سیاست‌های ابلاغی متمرکز است. سناریوی سوم، با عنوان مکتب‌خانه منطق و ارزش، بیشتر بر ارزش‌هایی مانند تکلیف‌گرایی، بومی‌سازی، الگوپروری و ارزش‌محوری در نظام آموزش عالی مبتنی است و آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی در این سناریو، به‌طور ویژه، بر نقش استادان در تعهدآفرینی، هنجارپروری، ظرفیت‌سازی داخلی، توسعه درون‌زا و پایبندی به گفت‌مان رسمی تمرکز دارد. هر سه سناریو، از نظر محتوای شاخص‌ها و همین‌اوقات و رویکردها دارای مشابهت‌هایی نیز هستند. آیین‌نامه ارتقاء، در هر سه سناریو (از دید محتوا)، به‌طور عام بر ارزیابی کمیّت، کیفیت، کارایی و اثربخشی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی استادان پایبند است و بخش قابل توجهی از امتیازات قابل اکتساب به این حوزه‌های عمومی اختصاص دارد. همچنین، در هر سه سناریو، نظام و آیین‌نامه ارتقای مرتبه (از دید رویکرد و راهبرد) بر ارزش‌هایی چون شایسته‌سالاری، مسئله‌گشایی، مجازی‌سازی، دانش‌بنیان شدن و نوآوری در تحقیق و توسعه تأکید می‌کنند؛ اگرچه لزوماً همه آنها دارای تعریف و منظور مشترکی از این تعابیر و مفاهیم نیستند. افزون بر آن، همه سناریوهای خروجی درباره آینده آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی، درباره کاهش وزن فعالیت‌های پژوهشی - فناوری (اگرچه به درجات مختلف) اجماع داشته‌اند. این موضوع از یک سو نشان از تلاش برای کاهش رویکرد غالب مقاله‌محوری در فرایند ارتقاء است و از سوی دیگر، نشان از کاهش وزن فعالیت‌های ذیل عنوان فناورانه دارد که اغلب به گونه‌ای است که شمار بسیار زیادی از اعضای هیئت علمی از شمول شاخص‌های آن خارج می‌شوند. دو سناریو از سه سناریوی خروجی، این کاهش وزن را با افزودن گروه جدیدی از فعالیت‌ها در آیین‌نامه ذی‌ربط پوشش داده‌اند. در سناریوی اول که بیانگر تفوق رویکردهای نوگرایانه و روندهای جهانی در جهت‌دهی به نظام آموزش عالی است، گروهی از شاخص‌ها تحت عنوان فعالیت‌های اجتماعی شبکه‌ای به آیین‌نامه اضافه گردیده و در سناریوی سوم که

بیانگر تفوق دیدگاه‌های ارزش‌گرا و رویکردهای مأموریت‌محور در نظام آموزش عالی است، گروه متفاوتی از شاخص‌ها تحت عنوان فعالیت‌های تمدنی مأموریتی به آیین‌نامه ارتقاء افزوده شده است.

سناریوی دوم اما به نوعی روایتگر تداوم فضای کنونی و نوعی حالت میانه نسبت به سناریوهای اول و سوم است، بیشتر بر تداوم رقابت‌های گفتمانی تکیه دارد و در آن، اندک وزن کاسته شده از شاخص‌های مرتبط با فعالیت‌های پژوهشی و فناوری به دو گروه دیگر شاخص‌های موجود در آیین‌نامه (یعنی فعالیت‌های آموزشی و فعالیت‌های علمی اجرایی) تخصیص یافته است. در هر صورت، یافته‌های پژوهش - مبتنی بر دیدگاه‌های خیرگان این پژوهش - نشان می‌دهد که استقرار گفتمان ایدئولوژیک (به عنوان نیرومندترین پیشران پژوهش) در سناریوی سوم، با توسعه اقتصادی دانشگاه‌ها، تحقق انتظارات بخش عمده‌ای از گروه‌های اجتماعی پیشرو (از جمله خانواده‌های طبقه متوسط شهری که مشتریان اصلی نظام آموزش عالی هستند)، توسعه رقابت‌ها و همکاری‌های بین‌المللی با کشورهای پیشرو و همچنین رشد سریع علوم میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای در تطابق با مسائل نوظهور جهانی، چندان متناسب و سازگار نیست. موارد مذکور به طور نسبی با سناریوی اول و تاحدودی با سناریوی دوم همخوان هستند که هر دو این سناریوها بر تداوم گفتمان سیاسی اجتماعی فرهنگی فعلی (ترکیبی از گفتمان سکولار و گفتمان ایدئولوژیک) و نیز تداوم یا تقویت انتظارات جامعه (ترکیبی از انتظارات دولت، صنعت، بازار، بخش خصوصی و نهادهای مدنی) از نظام آموزش عالی مبتنی هستند. با این تفاوت که سناریوی دوم، همانگونه که تصریح شد، به‌نوعی استمرار کلی همین آیین‌نامه ارتقای فعلی طی ۱۴ سال آینده با اندکی تغییرات جزئی در تعریف زیرشاخص‌ها (در حد ۱۰ درصد) و نحوه امتیازدهی است؛ اما سناریوی نخست مستلزم ایجاد تغییرات ساختاری مهمتری در آیین‌نامه ارتقاء و گنجانیدن شاخص و زیرشاخص‌های جدید در آیین‌نامه ذی‌ربط در سال ۱۴۱۴ به تناسب پیشران‌های در حال ظهور است و شاخص‌های ارزیابی‌کننده مواردی چون مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ارزش‌آفرینی اجتماعی / اقتصادی، کارآفرینی، نوآوری، تمرکززدایی و غیره متناسب با ایده دانشگاه آینده در آن با تاکید بیشتری نسبت به قبل مورد توجه قرار گرفته است. مقایسه میان شیوه تخصیص امتیازات^{۱۹} برای فعالیت‌های اصلی مورد ارزیابی به‌تفکیک وضعیت فعلی و هر یک از سناریوهای سه‌گانه به شرح جدول زیر آمده است و تصویری جامع از تغییرات و تفاوت‌های جدول امتیازات آیین‌نامه، در هر یک از چهار حالت ممکن، ارائه می‌دهد.

۱۹. این امتیازها در فرایند سناریونویسی در کارگاه‌های آینده‌پژوهی توسط جمعی از خبره‌ها که به همین منظور دعوت شده بودند، ارائه شده‌اند. در واقع، متناسب با تغییرات در هر سناریو، خبره‌ها پس از تدوین داستان سناریوها و بحث و تبادل نظر در خصوص جدول امتیازها به توافق رسیدند.

جدول ۸- مقایسه جدول امتیازات در سناریوهای سه‌گانه و وضعیت فعلی

جمع	فعالیت‌های آموزشی-تکنی		فعالیت‌های اجتماعی-شبکه‌ای		فعالیت‌های علمی-اجرایی		فعالیت‌های پژوهشی-فناوری		فعالیت‌های آموزشی		فعالیت‌های فرهنگی		
	حاکم امتیاز	حداقل امتیاز	حاکم امتیاز	حداقل امتیاز	حاکم امتیاز	حداقل امتیاز	حاکم امتیاز	حداقل امتیاز	حاکم امتیاز	حداقل امتیاز	حاکم امتیاز	حداقل امتیاز	
۱۰۵	-	-	-	-	۲۵	۱۰	-	۶۵	۴۰	۲۰	۳۰	۱۰	آیین‌نامه فنی ۱۴۰۰
۱۰۵	-	-	۴۵	۲۰	۲۵	۱۰	۹۰	۴۵	۴۵	۲۰	۲۵	۱۰	سناریوی اول ۱۴۱۴
۱۰۵	-	-	-	-	۴۰	۱۵	۱۱۰	۵۵	۴۵	۲۵	۳۵	۱۰	سناریوی دوم ۱۴۱۴
۱۰۵	۴۵	۱۵	-	-	۳۵	۱۵	۹۰	۴۰	۴۰	۲۰	۳۵	۱۵	سناریوی سوم ۱۴۱۴

سرانجام، می‌توان گفت که سناریوهای تبیین‌شده در این پژوهش، زمینه و بستری برای اکتشاف، انتخاب، طراحی و اتخاذ راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، به تناسب هر یک از سناریوهای محتمل^{۲۰}، در نظام آموزش عالی به شمار می‌رود. به طور کلی، تاکید بر اهمیت بدیل اندیشی و دورنگری در فرایند تصمیم‌گیری، موضوع تفکر راهبردی است (Godet, 2000). که این موضوع در آموزش عالی بیشتر مورد تاکید قرار گرفته است (Farasatkah, 2012). از این‌رو، سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان می‌توانند از طریق مرور یافته‌ها و بحث‌های کیفی درباره چند و چون آنها مسیر تغییرات محیطی را رصد کنند و اقدامات لازم را برای طراحی راهبرد(استراتژی)های مناسب و مطلوب به‌عمل آورند. درواقع، ارزیابی سناریوهای محتمل برای آینده آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌های کشور، گامی پیش‌دستانه است و می‌تواند در چگونگی تحقق تحولات، رویدادها و واقعیت‌های آینده، نقش‌آفرین باشد.

درپایان، باید اضافه نمود که صورت‌بندی‌های امروز نمی‌توانند توضیح دهند که دانشگاه‌ها در آینده‌های بلند مدت چگونه کار می‌کنند و چگونه اداره می‌شوند. از این‌رو، فارغ از تحقق هر کدام از سناریوهای یادشده در افق تعیین‌شده این پژوهش، مسیر تحولات در افق کلان آینده - با تکیه بر روندهای جهانی و نوظهور - حکایت از دانشگاه به مثابه نهادی دارد که به جای آن که مبتنی بر کنترل و دیگرتنظیمی باشد، مبتنی بر خودتنظیمی و خودراهبری است (Farasatkah, 2013). با توجه به شرایط بسیار پیچیده در جهان به‌شدت رقابتی و با دگرگونیهای گسسته، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران به مثابه نهادهایی هوشمند، خودتنظیم و خودراهبر، بهتر است برنامه‌ریزی‌های خود را به سمت آینده‌اندیشی و آینده‌نگاری راهبردی سوق دهند. آینده‌اندیشی قبل از هر چیز رویکرد معرفت‌شناختی نوپدید بی‌برنامه‌ریزی است.

۲۰. باید به این نکته توجه داشت که این سناریوها با تمرکز بر آینده‌های محتمل تدوین شده‌اند و در آینده ممکن است انواعی از سناریوهای باورپذیر که جزو هیچ کدام از این سه سناریو نیستند، رخ دهند و حتی ممکن است سناریوی شگفتی‌سازی رخ دهد که قواعد و زمین بازی آموزش عالی و آیین‌نامه ارتقاء را تغییر دهد.

در آینده‌اندیشی، آینده‌های بدیل به صورت چهار مرحله ممکن، باورپذیر، محتمل و مرجح سطح‌بندی می‌شوند. دانشگاه‌های پیشرو جهان رویکرد آینده پژوهی را در کانون برنامه‌ریزی‌های خود قرار داده‌اند (Farasatkhah, 2012). دانشگاه‌های آینده می‌توانند خود را از دوگانه دولتی-حاکمیتی بودن یا سرمایه‌داری-بنگاهی بودن برهانند. تنها در این صورت است که افقی از تعاملات خلاق با جهان اجتماعی و کنش ارتباطی گسترده دانشگاه با حوزه عمومی و فرهنگ به وجود می‌آید. فراموش نکنیم که، در زمانه معاصر، حکمرانی در حال تبدیل شدن به موضوعی اصلی در بخش آموزش عالی است، چرا که درباره بازسازی نظام‌های آموزش عالی و اداره دانشگاه‌ها ایده‌ها و نظریات مختلفی ارائه شده‌اند. کیفیت، یکی از مهمترین ابعاد حکمرانی آموزش عالی است و یکی از تبعات حکمرانی نامطلوب و ضعیف در آموزش عالی را در کیفیت سطح پایین نظام‌های آموزش عالی کشورهای مختلف می‌توان مشاهده کرد. از این رو، تمرکز بر ارتقای کیفیت حکمرانی یا همان حکمرانی خوب در آموزش عالی یکی از اصول بهبود وضعیت علمی کشور محسوب می‌شود (Rooshan, 2022) و بازبینی آیین‌نامه ارتقاء و انعطاف‌پذیر کردن آن و بالا بردن قدرت انطباق‌پذیری آن با کلان‌روندها و رخدادهای جهانی، از مهم‌ترین اقدام‌ها در آموزش عالی است.

پیشنهاد پژوهش

بر این اساس، پیشنهاد بنیادین پژوهش حاضر، تلاش در جهت سازگاری با روندهای در حال ظهور در عرصه آموزش عالی در جهان، ضمن پاسخگویی به نیازهای واقعی اجتماعی، پایبندی به ارزش‌های بومی، تقویت اقتصاد محلی، ارتقای استقلال علمی و توسعه مدیریت خودبنیان دانشگاهی است.

References

1. Arasteh, H. R. (2003). "University and industry connection". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 10 (3), 57-98 [in Persian].
2. Ebrahimzadeh, I. (2006). "Transition from traditional distance education university to virtual university: innovation and challenge of change (case study)". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 13 (1), 113-134 [in Persian].
3. Bazargan A., Hossein Qolizadeh, R., & Dadres, M. (2009). "A look at transnational higher education in Iran: issues and prospects". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 16(4): 1-17 [in Persian].
4. Pouya, A.R., Khobyan, M., & Siboyeh, A. (2016) Studying the age chain of promotion of faculty members with the help of systems dynamics with

- a focus on promotion policies (case study: Ferdowsi University of Mashhad), the first national conference of the Iranian Society of Systems Dynamics, Tehran [in Persian].
5. Pouratashi, M., & Zamani, A. (2019). "Genealogy of the world's top universities from the perspective of sustainable development". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 26 (1), 148-123 [in Persian].
 6. Javedani, H. (2008). "Globalization and higher education, gap between theory and action: new strategies for the development of higher education in Iran". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 15 (3), 107-130 [in Persian].
 7. Hosseini Moghadam, M. (2013). Internationalization of higher education and the future of the university in Iran 1404. Imam Khomeini International University (RA) - Qazvin - Faculty of Social Sciences. [PhD Dissertation in Future Studies] [in Persian].
 8. Roshan, A. R., Saeedi, A., & Ebrahimi, Y. (1400). "Representation of the concept of good governance in higher education: analysis of dimensions and investigation of factorial structure of indicators". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 27 (2), 1-24 [in Persian].
 9. Rezayan, A. (2021). Development of a prospective research approach in the revision of the bylaws for the promotion of the rank of the members of the scientific faculty of Iran in the horizon of 1414, a research project approved by the country's scientific policy research center (the selected project of the research center for promising researchers) [in Persian].
 10. Farasatkah, M. (2013). "Universities in the post-modern era: a reflection on the horizon of developments", *Negah Nu magazine*, number 101 [in Persian].
 11. Farasatkah, M. (2012). "A conceptual framework for planning based on future thinking in the university". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 1392; 19 (3), 1-21 [in Persian].
 12. Farasatkah, M., & Maniei, R. (2013). "Factors affecting the participation of faculty members in higher education policies and university planning". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 20 (4), 53-29 [in Persian].
 13. Farahmandnia, E. (2017). Regulations for promotion of faculty members. Master's thesis, Malayer University [in Persian].

14. Goldasteh, A. (2016). *Foresight in higher education (based on the scenario method)*. Publications of the Scientific Policy Research Center of the country, Tehran-Iran [in Persian].
15. Sadeghi Arani, Z. (2021). "Taking advantage of the systems thinking approach to investigate the side effects of higher education policies: a critique of the article-oriented nature of the regulations for the promotion of faculty members". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 1400 (3), 53-85 [in Persian].
16. Esra, F., & Afifian, F. (2016). "A review on the regulations for the promotion of academic staff members of universities and educational institutions in the country: pathology and providing solutions", *Book Review Quarterly*, Information and Communication, 15, 213-223 [in Persian].
17. Abdi, H., Mirshah Jafari, I., Nili, M. R., & Rajaeipour, S. (2016). Explaining the horizon of 1404 Iranian higher education using the scenario writing method. *Iran's higher education*, 9 (4), 1-27 [in Persian].
18. Mohammadi Dostdar, H., & Mirhosseini, A. H. (2008). A comparative study of the criteria for the promotion of faculty members in higher education. *Science and Technology Policy Quarterly*, 1(3) [in Persian].
19. Moghimi, T., Arasteh, H. R., & Mohammad Khani, K. (2012). The development of science and technology diplomacy in Iran and the effects of the higher education system on it. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 1382; 9 (3), 1-20 [in Persian].
20. Mohammadi Dostdar, H., & Mir Hosseini, A. H. (2012). Policies and processes of promotion of faculty members in selected universities of the world. *Science and Technology policy*, 03(3), 55-70 [in Persian].
21. Yousefi, H., Asadbeighi, M., & Haji Khajelu, S. R.. (2018). "Deriving the criteria for promotion of faculty members through the application of comparative study of selected universities". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 25 (4), 73-95 [in Persian].
22. Hemmati, A. R., Godarzi, M. A., & Hajiani, I. (2014) "The futures studies of the commercialization of higher education in the Islamic Republic of Iran; Necessity or requirement". *The Future of Management Studies (Management Studies)* 26(102) 1-14 [in Persian].
23. Yemeni, M., & Guldasteh, A. (2012). "Investigating factors affecting hidden policies in recruiting faculty members: the case of a non-

- governmental university”, *Iranian Higher Education Association Quarterly*, 5(4) [in Persian].
24. Bostrom, N. (2009). The future of humanity. In: Olsen, J.K.B., Selinger, E., & Riis, S. (Eds.), *New waves in philosophy of technology*. New York, NY: Palgrave MacMillan. Retrieved from https://link.springer.com/chapter/10.1057/9780230227279_10
 25. Gentry, R., & Stokes, D. (2015). Strategies for Professors Who Service the University to Earn Tenure and Promotion. *Research in Higher Education Journal*, 29.
 26. Glenn, C. J., & Gordon, J. T. (2009) Introduction To The Futures Research Methods Series v3, The Millennium Project, Futures Research Methodology.
 27. Godet, M. (2000) “The Art of Scenarios and Strategic Planning: Tools and Pitfalls.” *Technological Forecasting and Social Change*, 65, 3-22.
 28. Miller, C.A., O’Leary, J., Graffy, E., Stechel, E.B., & Dirks, G. (2014). Narrative futures and the governance of energy transitions. *Futures*, 70, 65-74.
 29. Levander, S., & Riis, U. (2016). “Assessing educational expertise in academic faculty promotion”. *Nordic Journal of Studies in Educational Policy*, (2-3), 33759.
 30. Marzban, E., & Rezayan, A. (2020). Futures of Iranian Children and Teenagers Engagement in Cyberspace. *Journal of Cyberspace Studies*, 4(2), 101-128. doi: 10.22059/jcss.2020.299188.1046
 31. Son, H. (2012). The future of South Korea: Alternative scenarios for 2030, *Futures*, 52, 27-41. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2013.06.005>
 32. Schimanski, L. A., & Alperin, J. P. (2018). The evaluation of scholarship in academic promotion and tenure processes: Past, present, and future. *F1000Research*, 7.
 33. Tanaomi, M. M., & Asaadi, R. R. (2017). “A Comparative Study of Faculty Members’ Career Advancement (Promotion) Systems in the United States and the Islamic Republic of Iran: Case Analysis of the University of Tehran and Portland State University”. *International Journal of Higher Education*, 6(4), 111-121.
 34. Vriens, D. (2004). *Information and communication technology for competitive intelligence*. Hershey, PA: Idea group publishing.

